



### تألیف قلوب یکی از زمینه های ظهور است/ حقوق برادر مومن در احادیث

یکی از اهداف عالی پیامبر، الفت است. یکی از راه های ایجاد الفت و همدلی در جامعه، پیوند برادری دینی است. این مسئله، حقوقی با خود به همراه دارد که در مورد آن روایت های مختلفی وجود دارد.

یکی از اهداف عالی پیامبر، الفت است. یکی از راه های ایجاد الفت و همدلی در جامعه، پیوند برادری دینی است. این مسئله، حقوقی با خود به همراه دارد که در مورد آن روایت های مختلفی وجود دارد.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر جلسه شصت و سوم از سلسله مباحث مهدویت است که توسط حجت الاسلام سیدمحمدباقر علوی تهرانی ایراد شده است.

یکی از رسالت های پیامبر بحث ایجاد الفت بین دلهاست و این را در آیات ۶۲ و ۶۳ سوره انفال و آیه ۱۰۳ آل عمران در جلسه گذشته بیان کردیم.

در سوره انفال می فرماید «لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ حَمِيحًا مَا أَلْفَتْهُنَّ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ» یعنی اگر همه آنچه را در روی زمین است، هزینه می کردی نمی توانستی میان دل هایشان الفت اندازی، ولی خدا میان آنان ایجاد الفت کرد.

نشان می دهد این کار، کار سختی است.

امیرالمومنین تعبیری از سختی این کار دارند که می فرمایند «إزالة الرواسي أسهل من تأليف القلوب المتنافرة» یعنی از جا کردن کوه های استوار، آسان تر از الفت دادن دل های رمیده از یکدیگر است.

سیدالشهدا(ع) می فرماید «سألتُ أبي عن ... مَخْرَجِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) كَيْفَ كَانَ يَصْنَعُ فِيهِ؟ فَقَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَخْرُجُ لِسَانَهُ إِلَّا عَمَّا يَعْجِبُهُ وَ يُؤَلِّفُهُمْ وَ لَا يُتَعَزَّهُمْ وَ يُكْرِمُ كَرِيمَ كُلِّ قَوْمٍ وَ يُؤَيِّبُهُ عَلَيْهِمْ» یعنی از پدرم درباره... رفتار پیامبر خدا در بیرون از خانه پرسیدم فرمود: پیامبر خدا همواره زبانش را از گفتار بیهوده در کام می کشید و با مردم با الفت (دوستانه) رفتار می کرد و آنها را نمی رماند ارجمند هر قومی را گرمی می داشت و او را بر آنان فرمانروایی می داد.

یکی از سفارش های امام صادق(ع) در حدیثی که به خیمه فرمودند همین تألیف قلوب است.

امام صادق می فرماید «ثَلَاثَةٌ تَجِبُ عَلَى السُّلْطَانِ لِلْخَاصَّةِ وَ الْعَامَّةِ: مُكَافَأَةُ الْمُحْسِنِينَ بِالْإِحْسَانِ لِيَزِدُوا رَغْبَةً فِيهِ، وَ تَعَمُّدُ ذُنُوبِ الْمُسِيءِ لِيَتُوبَ وَ يَرْجِعَ عَنْ غَيْبِهِ (عَتَبِهِ)، وَ تَأْلُفُهُمْ جَمِيعًا بِالْإِحْسَانِ وَ الْإِنصَافِ.» یعنی سه چیز است که بر زمامدار واجب است درباره خواص و عوام رعایت کند: پاداش نیکوکار را به نیکو دادن تا بر رغبت مردم به کارهای نیک افزوده شود. پوشاندن گناهان بدکار تا توبه کند و از گمراهی و انحراف خود برگردد. و ایجاد الفت میان همه آنان از طریق احسان و رعایت انصاف و داد.

امیرالمومنین فرمودند تألیف قلوب باید مانند آئین نامه و دستور شود. «وَلَا تَنْقُضْ سُنَّةَ صَالِحَةٍ عَمِلَ بِهَا صُدُورُ هَذِهِ الْأُمَّةِ، وَاجْتَمَعَتْ بِهَا الْأَلْفَةُ، وَصَلَحَتْ عَلَيْهَا الرَّعِيَّةُ» یعنی سنت نیکویی را که بزرگان این امت به آن عمل کرده اند و رعیت بر آن سنت به نظام آمده و حالش نیکو شده است(تألیف قلوب و همدلی پیدا شده است)، مشکن و سنتی میاور که به سنتهای نیکوی گذشته زیان رساند.

امیرالمومنین به ابوموسی اشعری اینطور نوشته اند «لَيْسَ رَجُلٌ قَاعِلْمٌ أَحْرَصَ عَلَى جَمَاعَةٍ أُمَّةٍ مُحَمَّمٍ وَ أَلْفَتِهَا مِنِّي أَتَّبَعِي يَذَلِكَ حُسْنِ التَّوَابِ وَ كَرَمِ الْمَأْبِ» یعنی در امت اسلام، هیچ کس همانند من وجود ندارد که به وحدت امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و به انس گرفتن آنان به همدیگر، از من دلسوزتر باشد. من در این کار پاداش نیک و سرانجام شایسته را از خدا می طلبم.

یعنی این کار تألیف قلوب ثواب دارد و امیرالمومنین این کار را برای مثلاً بقای حکومت انجام نداده اند.

ما در اولین قدم باید در سطح خانواده خود الفت ایجاد کنیم.

۱۳ راه برای تالیف قلوب در روایات وجود دارد و یکی از مهمترین آنها که این همدلی و الفت را ایجاد می کند، ولایت امیرالمومنین است.

یکی دیگر پیوند برادری دینی است که در سوره حجرات آمده است «انما المومنون اخوة». اسلام با این پیوند با تعصب های قبیله ای و حزبی به مقابله پرداخت. ملاک برای قرآن این است که «ان اکرمکم عند الله اتقیکم».

پیامبر به امت اسلام بیکره واحد بخشید و فرمود «مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَ الْحَمَى». یعنی مؤمنان در دوستی و رحمت و عطوفت به همدیگر همچون اعضاء واحدند، هرگاه: عضوی رنجور و دردمند گردد در اعضاء دیگر هم از بیدار خوابی و سوزش تب متأثر گردند.

لذا یکی از اهداف عالی پیامبر، الفت است یکی از راه های ایجاد الفت و همدلی در جامعه، برادری دینی است. وقتی این برادری آمد، حقوقی با خود به همراه دارد. در مورد این حقوق روایت های مختلفی وجود دارد که در یک روایت پیامبر ۳۰ حق را نسبت به برادر دینی بیان می کند.

امیرالمومنین روایتی از پیامبر نقل می کنند که «عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: لِلْمُسْلِمِ عَلَى أُخِيهِ ثَلَاثُونَ حَقًّا لَا بَرَاءَةَ لَهُ مِنْهَا إِلَّا بِالْأَدَاءِ أَوْ الْعَفْوِ يَغْفِرُ زَلَّتَهُ وَ بَرَحَمُ عِبْرَتَهُ وَ بَسْتَرُ عَوْرَتَهُ وَ يُقْبِلُ عَثْرَتَهُ وَ يَقْبَلُ مَعْذِرَتَهُ وَ يَرُدُّ غِيْبَتَهُ وَ يُدِيمُ نَصِيحَتَهُ وَ يَحْفَظُ خَلْتَهُ وَ يَرْعَى ذِمَّتَهُ وَ يَعُوذُ مَرَضَتَهُ وَ يَشْهَدُ مِيتَتَهُ وَ يُجِيبُ دَعْوَتَهُ وَ يَقْبَلُ هَدِيَّتَهُ وَ يُكَافِي صِلَتَهُ وَ يَشْكُرُ نِعْمَتَهُ وَ يُحْسِنُ نُصْرَتَهُ وَ يَحْفَظُ حَلِيلَتَهُ وَ يَقْضِي حَاجَتَهُ وَ يَشْفَعُ مَسْأَلَتَهُ وَ يُسَمِّتُ عَطْسَتَهُ وَ يُرْشِدُ ضَالَّتَهُ وَ يَرُدُّ سَلَامَةَ وَ يُطِيبُ كَلَامَهُ وَ يُبْرِئُ إِنْغَامَهُ وَ يُصَدِّقُ أَقْسَامَهُ وَ يُوَالِي وَلِيَّتَهُ (وَ لَا يَبْغِدُ) وَ يَنْصُرُهُ ظَالِمًا وَ مَظْلُومًا قَآمًا نُصْرَتُهُ ظَالِمًا فَيَرُدُّهُ عَنْ ظُلْمِهِ وَ أَمَّا نُصْرَتُهُ مَظْلُومًا فَيُعِينُهُ عَلَى أَخْذِ حَقِّهِ وَ لَا يُسْلِمُهُ وَ لَا يَخْذُلُهُ وَ يُجِيبُ لَهُ مِنَ الْخَيْرِ مَا يُجِبُ لِنَفْسِهِ وَ يَكْرَهُ لَهُ مِنَ الشَّرِّ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَقُولُ إِنَّ أَحَدَكُمْ لِيَدْعُ مِنْ حُقُوقِ أُخِيهِ شَيْئًا فَيُطَالِبُهُ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَقْضِي لَهُ وَ عَلَيْهِ».

یعنی علی(ع) فرمود که پیغمبر(ص) فرموده است: هر مسلمانی بر ذمه برادر مسلمانش سی حق دارد، ذمه اش از آنها بری نمی شود مگر این که آن حقوق را ادا کند یا برادرش از او درگذرد، (آن حقوق عبارتند) از لغزش او چشم پوشد، به اشک چشمش شفقت آرد، عیبش را بیوشاند، لغزشش را نادیده بگیرد، عذرش را بپذیرد، اگر کسی غیبت او را کرد از او دفاع کند، همواره خیر خواهش باشد، دوستی و محبت او را حفظ و زنجیر کند، عهد و پیمانش را مراعات نماید در موقع بیماری عیادتش کند، در تشییع جنازه اش حاضر شود، دعوتش را بپذیرد، هدیه اش را قبول کند، و آن را جبران نماید، نعمتش را سپاسگزار باشد، با بهترین وجه او را یاری دهد، زن و بچه او را محافظت کند، حاجتش را روا کند، در انجام خواسته اش کوشش نماید، موقع عطسه کردن «برحمک الله». بگوید، راهنمای گمشده اش باشد، و به سلامش پاسخ دهد، کلامش را خوب تلقی کند، بخشش او را ارج نهد، سوگندهایش را تصدیق نماید، دوست او را دوست داشته باشد و با وی دشمنی نکند، اگر ظالم و یا مظلوم واقع شد او را یاری کند، اما یاری نمودن در حال ستمگری او را از ستم کردن باز دارد، و اما یاری دادن در حال مظلومیت در باز پس گرفتن حقش به او کمک نماید، گرفتارش نکند، خوارش ندارد، آنچه که از خیر برای خودش می خواهد برای او نیز بخواهد، و آنچه که از بدیها برای خودش نمی پسندد برای او نیز پسندد، سپس فرمود: از پیغمبر(صلی الله علیه و آله) شنیدم که می فرمود: هر یک از شما اگر چیزی از حقوق برادرش را به جا نیاورد، روز قیامت از او مطالبه و بر نفع و یا ضرر او حکم خواهد شد.

امام صادق(ع) نیز یک دستور ۷ بندی دارند. «مَعْلَى بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ مَا حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ قَالَ لَهُ سَبْعُ حُقُوقٍ وَاجِبَاتٍ مَا مِنْهُنَّ حَقٌّ إِلَّا وَ هُوَ عَلَيْهِ وَاجِبٌ أَنْ صَيَّعَ مِنْهَا شَيْئًا خَرَجَ مِنْ وَلايَةِ اللَّهِ وَ طَاعَتِهِ وَ لَمْ يَكُنْ لِلَّهِ فِيهِ مِنْ نَصِيبٍ قُلْتُ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ وَ مَا هِيَ قَالَ يَا مَعْلى ابْنِي عَلَيْكَ شَفِيقٌ أَخَافُ أَنْ نُصَيَّعَ وَ لَا تَحْفَظَ وَ تَعْلَمَ وَ لَا تَعْمَلَ قَالَ قُلْتُ لَهُ «لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» قَالَ أَيْسَرُ حَقٍّ مِنْهَا أَنْ تُجِيبَ لَهُ مَا تُجِيبُ لِنَفْسِكَ وَ تَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ وَ الْحَقُّ الثَّانِي أَنْ تَجْتَنِبَ سَخَطَهُ وَ تَتَّبِعَ مَرْضَاتَهُ وَ تُطِيعَ أَمْرَهُ وَ الْحَقُّ الثَّالِثُ أَنْ تُعِينَهُ يَنْفُسِكَ وَ مَالِكَ وَ لِسَانِكَ وَ يَدِكَ وَ رَجْلِكَ وَ الْحَقُّ الرَّابِعُ أَنْ تَكُونَ عَيْنَهُ وَ دَلِيلَهُ وَ مِرَاتَهُ وَ الْحَقُّ الْخَامِسُ أَنْ لَا تَشْبَعُ وَ يَجُوعُ وَ لَا تَرَوَى وَ يَطْمَأُ وَ لَا تَلْبَسَ وَ يَغْرَى وَ الْحَقُّ السَّادِسُ أَنْ يَكُونَ لَكَ خَادِمٌ وَ لَيْسَ لِأَخِيكَ خَادِمٌ فَوَاجِبٌ أَنْ تَبْعَثَ خَادِمَكَ فَيَغْسِلَ ثِيَابَهُ وَ يَصْنَعُ طَعَامَهُ وَ يَمْهَدَ فِرَاشَهُ وَ الْحَقُّ السَّابِعُ أَنْ تُبْرِئَ قَسَمَهُ وَ تُجِيبَ دَعْوَتَهُ وَ تَعُوذَ مَرِيضَهُ وَ تَشْهَدَ جَنَازَتَهُ وَ إِذَا عَلِمْتَ أَنَّ لَهُ حَاجَةً تُبَادِرُهُ إِلَى قَضَائِهَا وَ لَا تُلْجِئُهُ أَنْ يَسْأَلَكَهَا وَ لَكِنْ تُبَادِرُهُ مُبَادِرَةً فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ وَصَلَتْ وَلايَتِكَ وَ وَلايَتَهُ يَوْلايَتِكَ»

یعنی معلى بن خنيس، گوید: به امام صادق(عليه السلام) گفتم: حق مسلمان بر مسلمان چیست ؟ فرمود: برای او

هفت حق واجب است که هر کدام در مقام خود واجب است بر او اگر یکی از آنها را ضایع و بی‌اجراء گذارد از ولایت و اطاعت خدا بیرون است و برای خداوند هیچ بهره‌ای از بندگی در او نیست، به او گفتم: قربانت، آنها چیستند؟ فرمود: ای معلی، به راستی که من بر تو مهربانم، و می‌ترسم که آنها را ضایع کنی و نگهداری نکنی و بدانی و بکار نبندی، گوید: به او گفتم: لا حول و لا قوة الا بالله، فرمود: آسان‌تر آنها این حق است که: ۱- دوست داری برای او آنچه را برای خود دوست داری و بدداری برای او آنچه را برای خود بدداری. ۲- از خشم او کناره‌گیری کنی و خشنودی او را پیروی کنی و فرمان او را ببری. ۳- او را کمک کنی با خودت و دارائیت و زیانت و دست و پایت. ۴- چشم او و رهنمای او و آینه او باشی. ۵- سیر نباشی و او گرسنه باشد، سیراب نباشی و او تشنه بماند، نبوشی و او لخت بگردد. ۶- اگر تو را خدمتکاری است و برادرت را خدمتکاری نیست، خدمتکار خود را بفرستی تا جامه او را بشوید و خوراک او را بسازد و بستر او را پهن کند. ۷- به سوگند او وفاداری کنی، دعوت او را بپذیری، بیمار شد به دیدارش روی و در جنازه او حاضر شوی و هر گاه بدانی او را حاجتی است به انجام آن برایش پیش دستی کنی و او را نداری تا از تو خواهش آن کند ولی بشتاب و در انجام آن به گوش و هر گاه چنین کردی دوستی خود را به دوستی او پیوستی و دوستی او را به دوستی خداوند پیوستی (این است معنی روابط ZWJ&ZWNJ; دوستانه متبادله).